

مصاحبه با خانم امامی از طرف هفتمین کنگره علوم انسانی اسلامی (۱۴۰۲/۰۸/۰۷)

پاسخ به سؤالات کنگره بین المللی علوم انسانی اسلامی:

سؤال ۱- مسئله علوم انسانی اسلامی از ابتدای انقلاب مطرح شده است. انقلاب فرهنگی هم اولین قدم‌ها در این زمینه است. در طول چهار دهه گذشته هم در این زمینه سخن بسیار گرفته شده و نهادهایی هم در این زمینه تاسیس و فعالیت کردند. با وجود این تلاش‌ها به زعم شما مهم‌ترین موانع شکل‌گیری علوم انسانی اسلامی و رسیدن به یک نقطه مطلوب چه موارد و عواملی هستند؟

پاسخ-۱- متأسفانه در مدت کوتاه انقلاب فرهنگی فرصتی برای اصلاح سرفصل و محتوای دروس و آموزش اساتید مربوطه فراهم نبود، بنابراین در اکثر موارد به خصوص در رشته‌های میان‌دانشی نظیر رشته‌های هنری و معماری و شهرسازی همان سرفصل‌ها و محتوای ترجمه‌ای و تقلیدی از فرهنگ و هنر آمانیستی، لیبرالیستی، داروینیستی و غیره با رویکرد شکاکیت و نسبی‌گرایی در معرفت‌شناسی و کثرت‌گرایی در انسان‌شناسی ادامه پیدا کرد و هنوز هم ادامه دارد.

- در گام اول انقلاب اساتید متخصص و متعهد ما در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها منابع بسیار معتبر و مبانی فرهنگ اسلامی را در شناخت عالم و آدم تولید نموده‌اند، در این مرحله باید به صورت اساسی و بنیادی سرفصل و محتوای دروس را مبتنی بر «هویت اسلامی - ایرانی» اصلاح نمود و برای مدرسین این دروس کارگاه‌های هم‌اندیشی و هم‌افزایی ایجاد کرد، تا استادان ما نیز در «نظر و عمل» هویت «اسلامی - ایرانی» داشته باشند و در نهایت دانش آموخته‌های ما که آینده‌سازان تمدن نوین اسلامی هستند این تمدن را همانطور که مقام رهبری بارها فرمودند «تمدن نوین اسلامی با هویت اسلامی - ایرانی» باشد یعنی نه مانند گذشته و نه مانند وضع موجود و نه تقلید از دیگران بلکه مؤلفه‌های فرهنگی فرازمانی و فرامکانی آن از فرهنگ الهی و خطاناپذیر اسلامی استنباط و استخراج شود و مؤلفه‌های وابسته به مجموع شرایط زمانی و مکانی آن با توجه به مجموع شرایط موجود ایران مسئله محور و مشکل‌گشای واقعیت‌ها و کمبودهای کشور باشد.

سؤال ۲- همچنان منازعه ماهوی در مورد امکان یا عدم امکان ایجاد و شکل‌گیری علوم انسانی اسلامی در کشور وجود دارد. برخی مفهوم علوم انسانی اسلامی را یک مفهوم غیر علمی و بیشتر ایدئولوژیک می‌دانند. این طیف معقد است علم قابل تقسیم به اسلامی و غیر اسلامی نیست. پاسخ شما به این ابهامات چیست؟

پاسخ-۲- مسئله رابطه علم و دین یا بهتر است بگوئیم رابطه «مجموع علوم با اسلام» غیر از امامین انقلاب از طریق اساتید برجسته حوزه و دانشگاه نظیر آیت الله جوادی آملی، مرحوم آیت الله مصباح یزدی و قبل از آنها توسط آیت الله علامه طباطبائی، علامه جعفری، شهید بهشتی مطرح و روشن شده است.

برای نمونه آیت الله جوادی میفرماید «آنچه علمی است عقلانی است» یعنی حتی علوم تجربی هم «استقراء عقلی» است و میفرماید آنچه «عقلانی است» اسلامی است، زیرا منابع آیات و احادیث معتبر، و ابزار عقل را در سطوح مختلف «استقراء، استدلال منطقی و قیاس در حوزه هنجارهای اخلاقی را پذیرفته‌اند». البته علوم تجربی و بشری را به عنوان «علوم احتمالی» تا نقض نشده است میپذیریم ولی جزء متن دین نمی‌دانیم. و میفرمایند خطاپذیری عقل بالقوه فردی و اجماع خبره‌گان تخصصی را نیز خداوند با ارسال «وحی الهی، عقل کل و نقل» جبران نموده است، بنابراین فرهنگ اسلامی جامع و مانع‌ترین منابع، مبانی و شیوه‌های معرفت‌شناسی را در یک دستگاه طولی و کل‌نگر ارائه نموده است یعنی از «عقل فردی و تجربی به سمت عقل جمعی و خبره‌گانی با داوری کلام الهی و تفسیر معصومانه امامان معصوم، این دستگاه معرفتی همه علوم بشری و وحیانی را مطرح و صحیح بودن آنرا میتواند تضمین نماید.

بنابراین از طریق «استدلال منطقی» میتوان به صورت «برون دینی» با همه علماء جهان حقایق عالم و آدم را بحث و استدلال نمود و هم بیش از آن میتوان از طریق «آیات و احادیث» با روش «تفسیری» به صورت «درون دینی» با دانشمندان مسلمان وارد بحث و گزاره‌های دینی را اثبات نمود. بنابراین تقسیم علوم به طور کلی به اسلامی و غیر اسلامی غیر موجه و بدون دلیل منطقی است.

سؤال ۳- به نظر شما راهکار رسیدن به یک وحدت نظری و راهبردی در زمینه ضرورت وجود علوم انسانی اسلامی در بین نخبگان کشور چیست؟ چرا که تا زمانی که در مورد اصل مسئله و وجود و یا عدم وجود آن بحث به صورت طبیعی در خروجی شاهد نظریه و مفهوم پردازی نخواهیم بود.

پاسخ-۳- بنده در یک نظریه با عنوان «نسبت اسلام با فرآیندهای انسانی نظیر خلق آثار هنری، معماری و شهرسازی» که در کارگروه هنر و معماری و شهرسازی شورای عالی انقلاب فرهنگی، نقد، داوری و تأیید شده است، اثبات نموده‌ام ساختار و مراحل فرآیندهای انسانی پنج مرحله است یعنی «ایده هنرمند، انگیزه هنرمند، روش و سبک هنری، تولید اثر و تأثیرات اثر» و اثبات نموده‌ام هر گزاره با مدعای علمی را میتوان در این دستگاه ارزیابی و مورد سنجش و داوری قرار داد.

مباحث نظری آنرا میتوان با «اعتقادات و معارف اسلامی»، مباحث عملی آنرا میتوان با «احکام پنجگانه حلال و حرام اسلامی» و روش و راه حل‌های اجرایی آنرا با «اصول ده گانه اجتهاد و ارزشهای اخلاق اسلامی» مورد ارزیابی و نقد قرار داد، و در هر مرحله اگر با مباحث اسلامی سازگار بود، تأیید میشود و اگر مغایر آن بود نفی میشود.

بنابراین هر مدعای عملی را میتوان از ابعاد «نظری، عملی و اجرایی» از طریق «اعتقادات، احکام و اخلاق» اسلامی مورد ارزیابی، نقد و سنجش علمی قرار داد.

بنده در این نظریه اثبات نموده‌ام که مکتب الهی اسلام کامل‌ترین و عالیترین مباحث «زیبائی‌شناسی، فلسفه و حکمت هنر و اصول سبک هنری» را با منابع و مبانی خط‌ناپذیر ارائه نموده است، این مطالب باید در سرفصل و محتوای دروس آموزشی در سطوح مختلف از دبستان تا دانشگاه‌ها وارد شده و مطالب آن در کارگاه‌های دانش‌افزایی با اساتید محترم در میان گذاشته شود.

سؤال ۴- هفتمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی در روزهای آینده برگزار خواهد شد. یکی از مسائلی که در علوم انسانی اسلامی گویا مورد کم توجهی قرار گرفته است مسئله هم‌افزایی و ایجاد یک جریان علمی با کشورهای همسور است. به نظر می‌رسد در این زمینه چندان موفق نبودیم و انگار نتوانستیم مدعای خود را در این زمینه در عرصه بین‌المللی خیلی طرح کنیم. چرا موفق نبودیم؟

پاسخ ۴- به نظر بنده متأسفانه، نه تنها با دانشمندان جهان و مسلمانان نتوانسته‌ایم هماهنگی و همراهی لازم را ایجاد نمائیم، بلکه مهم‌تر از آن با کمال تأسف هنوز نتوانسته‌ایم با برخی از اساتید غرب‌زده و ترجمه‌ای و تقلیدی کشور خود، یک گفت‌وگو هم‌اندیشی و هم‌افزایی داشته باشیم، در این خصوص لازم است وزارت علوم در مقوله تبدیل وضعیت و ارتقاء اساتید به جای ارائه مقالات بی‌ثمر در مجلات خارجی به مسئله شرکت اساتید در این کارگاه‌ها مبتنی بر فرهنگ اسلامی اهمیت کافی داده و به عنوان شرط لازم برای ارتقاء و تدریس قرار دهد.

سؤال ۵- چرا شاهد شکل‌گیری گفتگوهای مستمر علمی در رسانه‌ها، دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها در مورد علوم انسانی اسلامی و تولید نظریه بومی نیستیم؟ چرا که بدون این مناظره و گفتگوی مستمر علمی تولید علم یک شبه و با بخشنامه ممکن نیست.

پاسخ ۵- میدانیم مباحث نظری و اعتقادی در حوزه آزادی و اختیار انسانها است، بنابراین شرط لازم برای تبادلات فکری و فرهنگی بحث‌های اقناعی، مستدل، معتبر و برهانی است،

متأسفانه بسیاری از مردم، دانشجویان و حتی برخی اساتید ما تحت تأثیر رسانه‌های متکثر مجازی هستند، آنها انبوهی از اطلاعات عمومی، سطحی و انحرافی را تبلیغ و ترویج مینمایند، که از آن به عنوان «شیب‌خون فرهنگی» یاد مینمائیم و باید با آن مقابله نمود. همانطور که مقام رهبری فرمودند در گام دوم انقلاب ابتدا باید «دولت اسلامی» داشته باشیم تا پس از آن «مجموعه اقشار جامعه» سبک زندگی و زیست آنها «اسلامی» شود.

با کمال تأسف در گام اول بسیار از دولتمردان ما در سطوح مختلف یا «تخصص» لازم را نداشتند و یا «تعهد اسلامی» کافی را و یا در برخی موارد «هر دو بعد تخصصی و تعهدی» را.

امید است با انتخاب دولت و مجلس جدید، کلیه سطوح مدیریتی ما «اسلامی ایرانی شوند» به خصوص وزارت‌های «آموزش و پرورش و علوم» و به طور خاص «دانشگاه‌ها»، تا هم نیازهای مادی و اقتصادی مردم به صورت نسبی حل شود و هم رویکرد مجموعه نظام، رویکردی با اهداف «مادی و معنوی اسلامی» محقق شود. امام راحل فرمودند «اگر دانشگاه‌ها اصلاح شود، کشور ساخته خواهد شد»

سؤال ۶- چرا شاهد شکل‌گیری گفتگوهای مستمر علمی در رسانه‌ها، دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها در مورد علوم انسانی اسلامی و تولید نظریه بومی نیستیم؟ چرا که بدون این مناظره و گفتگوی مستمر علمی تولید علم یک شبه و با بخشنامه ممکن نیست.

پاسخ ۶- متأسفانه وزارت علوم و رسانه ملی تا کنون به وظایف خود، در ارتباط با این کنگره و دستاوردهای آن برنامه‌های جدی و مؤثری نداشته است.

لازم است این دو نهاد تأثیرگذار یعنی وزارت علوم و رسانه ملی در تبلیغ و ترویج و تحقق دستاوردهای کارگروه‌های متنوع این نهاد به صورت جهادی و انقلابی برنامه‌ریزی دقیق و مفید داشته باشند.

موفق و مؤید باشید

و من الله التوفیق

عبدالحمید نقره کار

رئیس کارگروه معمار و شهرسازی